

نظری در مقاله آقای حائری

رسالة
فی الاینة

تألیف محمد زکریای رازی

فاضل ارجمند آقای عبدالحسین حائری که چند سال است در تنظیم فهرست کتابهای خطی کتابخانه مجلس شورای ملی رنج فراوان میبرند و تا کنون به طبع دو جلد از آن توفیق یافته اند در ضمن کنجکاویهای خود هر وقت به کتابی یا رساله‌ای برخوردند که پسند خاطر دیرپسند ایشان قرار گرفته یا در آن اهمیتی سراغ کرده اند از تعریف و توصیف آن برای کتابدوستانی که به گنجینه مخطوطات مجلس مراجعه میکنند دریغ نداشته اند و در این راه ثابت قدم بوده اند. این خصلتی است که سیزده سال پیش از این نظیر آن را در آقای گورگیس عواد رئیس فاضل کتابخانه موزه عراق در شهر بغداد دیدم. آقای گورگیس عواد هم مانند آقای حائری هر وقت به کتابی یا رساله خطی یا چاپی بر میخورد که مشاهده اش بحث و نشاط و لذت را در او تحریک میکرد تا بهمه آشنایان کتابباز خود آن را معرفی نمیکرد از پا نمی‌نشست و اینک جای مسرت است که در تهران سیه‌پستان هم آقای حائری را داریم که در معرفی مجموعه‌های خطی و رسالات نادر مانند رساله رازی همان لذت روحی را از کار خود میبرند که دوست فاضل عراقی ما و همکار ایشان از کار کتاب‌شناسی خود میبرد.

آقای حائری درمه له‌ای که زیر عنوان «معرفی یکی از آثار باز یافته محمد زکریا» در شماره دوم از سال دوم مجله وحید انتشار یافته به معرفی و وجود رساله

فوق الذکر در جزو مجموعه‌های رسایل خطی کتابخانه مجلس پرداخته‌اند. اینکه مرقوم داشته‌اند از این رساله جز نسخه موجود در کتابخانه مجلس و نسخه‌ای که اسعد بن الیاس شامی هشت قرن پیش در بستان الاطباء از آن نقل کرده است نسخه دیگری از آن هنوز دید، نشده است، باید یادآوری کرد در فهرستی که دکتر صلاح‌الدین المنجد برای کتابهای خطی طبی عربی از روی فهرستهای کتابخانه‌های عالم در قاهره تهیه کرده و در مجله المخطوطات العربیة به چاپ رسیده نسخه دیگری از این رساله را نشان میدهد که در مراکش موجود است و نگارنده در استقصای قبلی خود راجع به آثار بازمانده محمد زکریا به وجود آن آشنا شده بودم.

بنابراین پیدایش این نسخه برای جناب آقای حائری که فهرست دکتر صلاح هنوز از لحاظ ایشان نگذشته حقیقه چنانکه اشاره فرموده‌اند پیش آمد بزرگی بلکه فوز عظیمی بوده است. اما سبب اینکه در صورت انتشار یافته از سخنرانی رادیوئی این جانب در برنامه مرزهای دانش راجع به رازی از آن نام برده نشده بود تنها برای مراعات ذوق عمومی در استماع خطابه‌ای که لااقل یک میلیون نفر بدان گوش فرا میدادند از ذکر لفظ آن خودداری شد و گر نه نقل آن در ضمن کتابی یا مقاله‌ای که جنبه تحقیقی دارد لازم است، همانطور که ابوریحان و ابن ابی اصیبعه به نام آن تصریح کرده‌اند. ضمناً توجه بدین نکته پیش از کشف نسخه مجلس شوری که نام دیگر این رساله «فی الداء الخفی» در نسخه مراکش ذکر شده و در بستان الاطباء که در دسترس من بود «فی الابنة» خوانده شده بود ارجح دانست که به نقل مطلب مورد نظر باقید «رساله‌ای» از رسایل محمد زکریا اکتفا ورزد. نکته دیگری که در مورد این رساله باید در نظر داشت این است که به فرض نبودن این رساله با مراجعه به فهرست تألیفات محمد زکریا و مشاهده اسامی کتابهای متعددی به نام وزرا و رجال عهد معتضد که زندگانی آنها غالباً به آغاز عهد مکتفی منتهی شده است تردیدی در این حاصل نمیشد که رازی در عهد معتضد خلیفه طیب بنامی بوده است.

وجود رساله بسیار معروف برء الساعة با ذکر نام ابوالقاسم عبیدالله وزیر بطور مطلق و همچنین وجود رساله‌ای دیگر به نام قاسم بن عبیدالله وزیر پسر همان ابوالقاسم وزیر و وجود رساله دیگری بنام ابو حازم قاضی دوران معتضد و باز گشت

رازی از بغداد بهری در حدود ۲۹۱ که آغاز عهدالمکنفی است این نکته را مسجل میسازد که رازی در عهد معتضد طبیب بنادی در بغداد بوده است. اما اینکه به استناد قول قفطی و ابن ابی اصیبعه پیش از سفر بغداد رئیس بیمارستان ری بوده است با سایر قرائن و موارد مربوط به تاریخ زندگی او سازش ندارد و در آثار موجود رازی چیزی که دلالت به اشتغال او به طبابت و تدبیر بیمارستان ری پیش از سفر بغداد داشته باشد ندیده ایم بلکه برعکس در ضمن تجارب خود گاهی میگوید: فلان امر را در بیمارستان بغداد و بیمارستان ری و خانه خود آزمودم چنین بود و چنان بود ...»

قید تر تیب بیمارستان ری پیش از بیمارستان بغداد در عیون الانبا و اخبار الحکما ریشه قدیمتری دارد که از آن ها نقل کرده اند و آن طبقات الحکماء ابن جلیجل اندلسی و طبقات الامم صاعد اندلسی است که دوری هر دو از محیط زندگی رازی ایشانرا از تحقیق در تاریخ زندگی او محروم داشته است همانطور که ابوریحان با وجود نزدیکی زمان و مکان با محیط زندگی رازی، در مقدمه رساله خویش راجع به فهرست کتابهای رازی تصریح میکند جز این مطالب چیزی از زندگی او برای من به تحقق نپیوسته است.

بعلاوه این نکته با آنچه در عیون الانبا راجع به مسافرت رازی به بغداد درسی و اندسالگی نوشته شده و طب را در سن کبر آموخته و تمایل او به تحصیل طب از مراجعه به بیمارستانی در بغداد آغاز شده سازش پیدا نمیکند.

بیش از دو سوم مطالبی که در همین مأخذهای قدیمی راجع به زندگی رازی ذکر شده با حقیقت زندگی موافقت نمیکند و نمیتوان به قبول و تطبیق آنها تسلیم شد. مثلاً ابن ابی اصیبعه در عیون الانباء نقل میکند که گویند رازی در آغاز امر صراف بود و برای من این محقق نبود تا اینکه نسخه ای کهنه از کتاب منصوری تألیف او یافتم که آخرش افتاده و قسمت زیاد آن از کهنگی فرسوده بود و بر آن بهمان خط متن نوشته بود: کناش منصوری تألیف محمد بن زکریای رازی صیرفی و کسی که این نسخه پیش او وجود داشت بمن گفت این دست خط رازی است.»

در صورتیکه رازی در متن کتاب حاوی خویش ضمن نقل مطالب از دیگران

یکجا بیاد دارم که در یکی از نسخه‌های خطی کتابخانه ملك نوشته بود «محمد بن زکریای رازی صیرفی چنین گوید» و در صورتیکه رازی همیشه مطالب مربوط به شخص خود را ذیل کلمه (لی) یعنی «راست» می‌آورد و از این نقل صریح او معلوم میشود محمد زکریای رازی صیرفی طبیب دیگری از اهل ری بوده است که بواسطه شباهت کنیه و نام و پیشه‌اش با رازی اشتباه شده است و در صورتیکه خط او واقعاً بر منصوری بوده است معلوم میشود در روزگار رازی می‌زیسته است. همانطور که ابوالخیر حسن بن سوار (به نقل ابن ابی اصیبعه) تاریخ وفات ابوبکر محمد بن زکریای طبیب را با تاریخ وفات ابوبکر رازی دیگری اشتباه کرده و دوست و نود و اند نوشته است یا همانگونه که ابن شیراز به نقل قفطی تاریخ فوت او را با وفات رازی سومی اشتباه کرده و سیصد و شصت و چهار قید کرده است.

غرض این است که قرائن و اوضاع و احوال کلی در استنباط از زندگانی رازی نشان میدهد که او طب را در بغداد آموخته و بکار برده ولی به کمال شهرت آن در ری رسیده است.

اما قید تاریخ تولد رازی در حدود ۲۴۰ قمری به اعتبار سفر او درسی و اند سالگی از ری به بغداد بوده که به فرض توسعه مفهوم «اند» تا «نه» و تطبیق ۳۹ با ۲۷۹ که آغاز خلافت معتضد بوده است دیگر محلی جهت تصور آن پیش از ۲۴۰ باقی نمی‌ماند مگر اینکه بخواهیم محتملی جهت امکان تحصیل طب پیش این ربن از معاصرین را برای رازی زمینه سازیم در این صورت رازی باید در فاصله عهد معتصم و متوکل خلیفه به بغداد رفته باشد تا بتواند طب را بر صاحب فردوس الحکمه بخواند و این از مسائل ناممکن است.

با اینهمه باید گفت دست یافتن به چنین اثر نادری در جزو مجموعه‌های رسائل نادر خطی از رازی برای آقای هائری فوز عظیمی بوده است که در خور تهنیت میباشد و امیدواریم ارزش معرفی رسائل دیگر آن مجموعه برای ایشان کمتر از توصیف این رساله نباشد و استفاده خوانندگان مجله و حیدر را کامل سازند.

۱۳۴۳/۱۱/۱۴

محمد - محیط طباطبائی